



محمد عابدی

(مادر امام صادق علیه السلام و عبدالله بن

امام محمد باقر علیه السلام در یک نگاه

امام محمد باقر علیه السلام در شهر مدینه،

۱. اعلام الوری، ص ۲۶۴؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۲۷. در سال تولد حضرت چهار نظریه وجود دارد: سال ۵۶ و ۵۷ (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۲ و...)، سال ۵۸ (اثبات الوصیة، ص ۱۵۰ - ۱۵۳)، سال ۵۹ (بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۷)، و سال ۵۷ که با روایاتی که حضور امام را در سه سالگی در کربلا نشان می دهد، سازگارتر است.

در ماه تولد هم ۴ نظر وجود دارد: سوم و پنجم صفر، جمعه اول رجب؛ دوشنبه یا شنبه اول رجب.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۲.

۳. دلایل الامامة، ص ۹۴۰؛ تاج الموالید، ص ۳۹؛ کشف الغممة، ج ۲، ص ۳۱۸؛ تذکرة الخواص، ج ۵، ص ۳۰۲؛ احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۱۶۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۲.

۴. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱.

در اوّل رجب سال ۵۷ هـ، روز جمعه یا سه شنبه دیده به جهان گشود.^۱ او اولین فرزند در خاندان علوی بود که از نسل دو امام (حسن و حسین علیه السلام) متولد شد. پدرش امام سجاد علیه السلام و مادرش ام عبدالله (فاطمه) دختر امام حسن علیه السلام است.^۲ نامش محمد و لقبش باقر، شاکر، هادی، امین، شبیه (مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله) است.^۳ کنیه آن حضرت ابو جعفر^۴ بود.

آن حضرت دارای دو همسر؛ ام فروه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر

وَالرَّهْبَانِ الَّذِينَ سَارُوا بِكَيْتْمَانَ الْكِتَابِ
وَتَخْرِيفِهِ فَمَا رِيحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا
مُتَهْتِدِينَ؛^۲ همانند احبار و رهبانها را
بشناس. آنان که کتاب خدا را از مردم
کتمان و تحریف کرده و [با تمام این
احوال] سودی از کارشان نبرده و
هدایت نشده بودند.»

در این دوره اساساً فقه نزد اهل
سنت وارد مرحله تدوین خود شد.
فروکش کردن تنشهای سیاسی پس از
حادثه کربلا و شکست ابن زبیر و یک
پارچه شدن حاکمیت بنی امیه بسیاری
از علماء را از صحنه سیاست دور کرد
و آنان به حوزه‌های دیگر مانند درس و
حدیث روی آوردند. فرمان تدوین
حدیث توسط عمر بن عبدالعزیز، در
سال ۱۰۰ هـ ق به ابوبکر بن حزم،^۳
بهترین شاهد بر تکاپوی فرهنگی اهل
سنت در آغاز قرن دوم، مقارن با دوران
امامت امام باقر علیه السلام است. پیش از آن،

محمد) و ام حکیم دختر اسید بن ثقفی
(مادر ابراهیم و عبدالله) بود و دو ام و ولد
هم داشت. علی، زینب و ام سلمه نام
دیگر فرزندان آن حضرت است.^۱
آن حضرت بعد از شهادت پدرش
امام سجاد علیه السلام در سال ۹۵ هـ، کشتی
هدایت امت را در میان طوفانهای
حوادث راهبری کرد و به مدت ۱۹
سال پیشوایی شیعیان را عهده‌دار شد.
(محرم ۹۵ تا ذی‌حجه ۱۱۴).

اوضاع علمی عصر امام علیه السلام

سالهای (۹۴ تا ۱۱۴ هـ ق) زمان
آغاز مشربهای فقهی و اوج‌گیری
روایت حدیث در رابطه با تفسیر است.
از علمای اهل سنت افرادی مثل
زُهری، مکحول، قتاده، هشام بن عروه
و... در زمینه نقل حدیث و آرایه فتوی
فعالیت می‌کردند و البته وابستگی
اشخاصی مثل زُهری، ابراهیم نخعی،
ابوالزناد، رجاء ابن حیوة و... به دستگاه
حکومتی، ضرورت پرداختن امام علیه السلام
به سنت واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله را روشن
می‌کرد. امام باقر علیه السلام به خوبی این خطر
را احساس می‌کرد، در نامه‌ای به سعد
الخبیر، می‌فرماید: «فَاغْرِفْ أَشْبَاهَ الْأَخْبَارِ

۱. فصول المهمه، ص ۲۲۱؛ ارشاد مفید، ج ۲،
ص ۱۷۲؛ طبقات ابن سعد، ج ۵، ص ۲۳۶؛ تذکرة
الخواص، ص ۳۰۶. برخی زینب و ام سلمه را نام
یک نفر می‌دانند (اعلام الوری، ص ۲۶۵)
۲. کافی، الروضه، ص ۷۷.
۳. المصنف، عبدالرزاق، ج ۹، ص ۳۳۷.

علمی اش در میان مردم، در برابر او، مانند بچه‌ای مقابل معلم خود بود.»

و ابوزهره می‌نویسد: «امام باقر علیه السلام وارث امام سجاد علیه السلام در امامت و هدایت مردم بود. از اینرو علمای تمام بلاد اسلامی از هر سو به محضر او می‌شتافتند و کسی از مدینه دیدن نمی‌کرد، مگر اینکه به خدمت او شرفیاب شده و از علوم بی‌پایانش بهره‌ها می‌گرفت.»^۴

الف) ایجاد جنبش علمی

در مورد ایجاد جنبش عظیم علمی امام، همین قدر کافی است که بدانیم امام باقر علیه السلام و فرزندش امام صادق علیه السلام در سایه بحرانهای درونی نظام اموی که آنها را مشغول خود ساخته بود، به تأسیس حوزه‌های بزرگ درسی و علمی موفق شدند و بیشترین آرای فقهی، تفسیری و اخلاقی را از خود در کتب مربوطه به

فقه و حدیث در جامعه مورد بی‌اعتنایی کامل قرار گرفته بود و بی‌خبری مردم زمانی به اوج خود رسید که فتوحات اسلامی آغاز شد. در طول نیمه دوم قرن اول هجری، حتی مردم کیفیت اقامه نماز و حج را نیز نمی‌دانستند.^۱

اقدامات امام باقر علیه السلام

در برابر یک دوره خاموش فقه و حدیث و خیزش علمی اهل سنت در مرحله بعد، امام باقر علیه السلام به دو کار عمده دست زد:

۱. ایجاد جنبش علمی شیعی در فقه، تفسیر، حدیث، اخلاق و ...

۲. تلاش برای زدودن تحریفهای ناشی از اقدامات علمی اهل سنت.^۲

درخشش امام علیه السلام در هر دو جبهه احیای ارزشهای نبوی، به گونه‌ای بود که عبدالله بن عطاء مکی می‌گفت: «مَا رَأَيْتُ الْعُلَمَاءَ عِنْدَ أَحَدٍ قَطُّ أَضْفَرَ مِنْهُمْ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ وَلَقَدْ رَأَيْتُ الْحَكَمَ بْنَ عُسَيْبَةَ مَعَ جَلَالَتِهِ فِي الْقَوْمِ يَتْبَعُهُ كَأَنَّهُ صَبِيٌّ يَتَّبِعُ بَدَنِي مُعَلِّمُهُ»^۳ علماء را در محضر هیچ کس کوچکتر از آنها در حضور ابو جعفر علیه السلام ندیدم. حکم بن عیسبه با تمام عظمت

۱. كشف القناع عن حجة الاجماع، ص ۵۶.

ضحی الاسلام، ج ۱، ص ۳۸۶.

۲. ر.ک. به: حیات فکری و سیاسی امامان شیعه،

رسول جعفریان، ص ۲۰۸ تا ۲۱۴.

۳. ارشاد مفید، ص ۲۸۰.

۴. الامام الصادق، ابوزهره، ص ۲۲.

رانپذیرفته بود، و بعد از حکمیت کافر شد.

سخن در فضائل علی علیه السلام به حدیث خبیر رسید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «فردا پرچم را به فردی خواهم داد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند. بر دشمن می تازد و هرگز از میدان نبرد نمی گریزد...» امام باقر علیه السلام فرمود: درباره این حدیث چه می گویی؟ گفت: حدیث درست است ولی کفر علی بعد از این بود. امام فرمودند: آیا آن روز که خدا علی را دوست می داشت، می دانست که او در آینده اهل نهروان را خواهد کشت یا نه؟ مرد گفت: اگر بگویم نمی دانست کافر می شوم، پس می دانست. حضرت فرمودند: آیا محبت خدا به علی علیه السلام از آن جهت بود که وی در خط اطاعت خدا حرکت می کرد یا به خاطر عصیان بود؟ مرد گفت: روشن است که دوستی خدا به خاطر بندگی و اطاعت علی بود. امام باقر علیه السلام فرمودند: اکنون تو در

جای گذاشتند، به گونه ای که تنها یکی از شاگردان امام باقر علیه السلام یعنی محمد بن مسلم، ۳۰ هزار روایت از حضرت نقل می کند و شخصی مانند جابر جعفی هفتاد هزار روایت و شیخ طوسی شاگردان حضرت را ۴۶۲ نفر می داند.^۱

ب) مبارزه با انحرافات

برای روشن شدن مبارزه حضرت با انحرافات علمی و فقهی بوجود آمده در آن عصر تنها به بیان نمونه هایی از این مبارزات بسنده می کنیم.

۱. مبارزه با اندیشه خوارج

فردی از خوارج مدعی بود که علی علیه السلام در جنگ نهروان به خاطر کشتن خوارج گرفتار ظلم شده است. وی می گفت: اگر بدانم کسی هست که برای من ظالم نبودن علی علیه السلام را اثبات کند به سویش می روم. امام باقر علیه السلام را به او معرفی کردند. او هم گروهی از یارانش را جمع کرد و به حضور امام رسید. بعد از سخنان امام و برشمردن فضائل حضرت علی علیه السلام توسط یاران امام، آن مرد برخاست و گفت: من بیش از این جمع به فضائل علی آگاهم، ولی اینها مربوط به زمانی است که حکمیت

۱. اثنتاج، ج ۱، ص ۳۳۲.

علی علیه السلام می گفت: «همچنین امام باقر علیه السلام درباره بیان فرمودند: «خداوند لعنت کند بیان را؛ زیرا بر پدرم دروغ می بست...»^۴

وی به الوهیت امام علی و حسن و حسین علیهم السلام و محمد بن حنفیه و ابوهاشم (فرزند محمد بن حنفیه) قائل بود و خود را مصداق آیه «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ» می دانست.^۵

ابو منصور عجللی، از دیگر غالیان بود که پیروانی گرد آورد و امام باقر علیه السلام به طور رسمی او را طرد کرد. پیروان او با نام «منصوریه» یا «کسفیّه» مشهور شدند. پس از وفات آن حضرت، وی ادعا کرد امامت به او منتقل شده است.^۶

۱. کافی، ج ۸، ص ۳۴۹؛ بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۶.

۲. اختیار معرفة الرجال، جزء ۴، ص ۳۰۲، ح ۵۴۳.

۳. اعراف/۱۷۵؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۲۲. (ترجمه آیه: آن کسی که آیات خود را به او دادیم؛ ولی خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد.)

۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۰۱.

۵. طبری، ج ۵، ص ۴۵۷؛ الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۲۰۹.

۶. فرق الشیعه، ص ۳۸.

میدان مناظره مغلوب شدی، از جای برخیز و مجلس را ترک کن. زیرا محبت خدا به علی نشان می دهد که علی تا پایان عمر در راه اطاعت خدا گام برمی دارد و از مسیر رضای او خارج نمی شود و آنچه کرده طبق وظیفه الهی اش بوده است.»

مرد از جای برخاست و گفت: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»^۱ خدا داناتر است که رسالت خویش را در کجا قرار دهد.»

۲. مبارزه با دروغ پردازان و غالیان

در روایتی از امام صادق علیه السلام، هفت نفر به عنوان افراد فرصت طلب و دروغگو معرفی شده اند. (مغیره بن سعید، بیان، صائد، حمزة بن عماره، بربری، حارث شامی، عبدالله بن عمر بن حارث، و ابوالخطاب)^۲ امام باقر علیه السلام به افشاگری علیه آنان و لعن و نفرینشان مسی پرداخت. امام علیه السلام می فرمودند: «مغیره مانند بلعم است که خداوند در حق او فرمود: «الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَاتَّبَعَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ»^۳ مغیره قائل به جسم بودن خدا بود و سخنان غلوآمیز درباره امام

۳. مبارزه با بدعت گذاران

امام باقر علیه السلام می فرمود: کسی که با گناه و ارتکاب کبائر به مبارزه با خدا برخاسته و از خود جرأت نشان دهد، کافر است. کسی که روشی غیر از دین خدا پی نهد مشرک است.^۱

آن حضرت همواره با بدعتها مبارزه می کرد که نمونه ای را مرور می کنیم.

* جواز یا حرمت متعه

عبدالله معمر لیشی به امام باقر علیه السلام گفت: شنیده ام متعه را جایز می دانید. امام فرمودند: بلی! خداوند آن را جایز شمرده و سنت رسول خدا هم بر آن بوده و اصحاب هم عمل می کردند. عبدالله گفت: ولی عمر بن خطاب آن را ممنوع کرد. حضرت فرمودند: بنابراین تو بر سخن رفیقت باش، من هم بر سخن و رأی رسول خدا صلی الله علیه و آله استوار خواهم ماند.

عبدالله گفت: آیا شما خشنود می شوی وقتی ببینی شخصی با زنی از بستگان و خانواده شما چنین عملی را انجام دهد؟ امام علیه السلام فرمودند: ای بی خرد! چرا سخن از زنان به میان

می آوری؟ آن خدایی که از دواج موقت را حلال کرد، از تو و همه کسانی که به تکلف و اجبار متعه را حرام شمرده اند، غیر تمندتر است. آیا دوست داری که زنی از خانواده تو به همسری مردی درآید که تهیدست است؟...

عبدالله گفت: خیر.

امام علیه السلام فرمودند: چرا تو حلال خدا را حرام می شماری؟

عبدالله گفت: من حلال خدا را حرام نمی شمارم، ولی معتقدم مرد فقیر و بافنده تهیدست کفو و هم سطح ما نیست.

امام علیه السلام فرمودند: ولی برنامه خدا غیر از این است، زیرا اعمال نیک همین مرد را می پذیرد و حوریان بهشتی را به ازدواج او در می آورد، ولی تو از روی کبر و نخوت از خویشاوندی با مؤمنی که شایسته همسری حوریان بهشتی است، ناخشنود هستی.

عبدالله تسلیم شد و خندید و گفت: به راستی که سینه های شما محل رویش درختان تسنور دانش است.

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۲.

می دهی؟ گفتم آری! فرمودند: پس در چه زمینه سکوت کرده و علم و دانش واقعی را به اهلش ارجاع می دهی؟

امام علیه السلام با این سؤال به او فهماند که نحوه پاسخگویی او به پرسشهای مردم غلط است و در مسائل دینی باید به مرجع اصلی آن که ائمه اطهار علیهم السلام هستند مراجعه کرد.

همچنین ابو حمزه ثمالی از گفتگوی امام با قتاده چنین یاد می کند: امام رو به آن مرد کرد و پرسید: تو کیستی؟ گفت: قتاده بن دعامه بصری. فرمود: تو فقیه اهل بصره ای؟ گفت: آری. فرمود: وای بر تو ای قتاده! خداوند بندگان شایسته ای را آفریده است تا حجت بر دیگران باشند. آنان او تاد زمین و برپادارنده امر الهی و نخبگان علم خدایند، آنان را قبل از آفرینش دیگر بندگان برگزیده است. قتاده پس از سکوتی طولانی

میوه های درخت دانش از آن شماس است و برگهایش در اختیار مردم.^۱

۲. مبارزه با انحرافات علماء

در این دوره فقها به شدت فعال بودند و همین امر لزوم هوشیاری امام را می طلبید. حضرت در برابر فقهایی مثل ابوحنیفه به شدت ایستادگی می کرد.^۲

از جمله درباره اهل قیاس به زراره فرمودند: «لَا زُرَّارَةَ لِإِيَّاكَ وَأَصْحَابِ الْقِيَاسِ فِي الدِّينِ فَأَتَيْتُهُمْ تَرَكُوا عِلْمَ مَا وَكَّلُوا بِهِ وَتَكَلَّفُوا مَا قَدْ كَفَّوهُ يَتَأَوَّلُونَ الْأَخْبَارَ وَيَكْلِبُونَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۳

ای زراره! از کسانی که در کار دین قیاس می کنند، بپرهیز؛ زیرا آنان علمی را که مکلف به آن بودند کنار گذاشته و به چیزی پرداخته اند که به آنها سپرده نشده است. خبرها را [به ذوق خود] تفسیر کرده و بر خدای بزرگ دروغ می بندند.

محمد بن طیار از اصحاب امام باقر علیه السلام می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمودند: آیا با مردم بحث می کنی؟ گفتم: آری. فرمودند: آیا هرچه می پرسند تو به هر حال پاسخی

۱. کشف الغممه، ج ۲، ص ۳۶۲؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۵۶.

۲. المجالس المفيدة، ص ۳۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۹.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰۴ و ۳۰۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۵۹ و امالی مفید، ص ۵۱.

خداوند بندگان شایسته‌ای را آفریده است تا حجت بر دیگران باشند. آنان اوتاد زمین و برپادارنده امر الهی و نخبگان علم خدایند، آنان را قبل از آفرینش دیگر بندگان برگزیده است.

گفت: به خدا سوگند من تا کنون در برابر فقیهان بسیار و نیز پیش روی ابن عباس نشسته‌ام ولی آن گونه که در برابر شما مضطرب شده‌ام، در مقابل هیچ یک از آنان، اضطراب مرا فرا نگرفت. امام فرمود: تو می‌دانی کجا نشسته‌ای؟ در مقابل خاندانی هستی که خدا در باره‌اش فرموده است: «فِي بُيُوتِ اٰذْنِ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اِسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»^۱ و فرموده است «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنِ ذِكْرِ اللّٰهِ وَاَقَامُوا

الصَّلَاةِ وَاَبْتَاءِ الزُّكَاةِ»^۲ پس جایگاه تو آن جاست که خود می‌دانی و ما آن خاندانیم که خدا توصیف کرده است.^۳

۵. پاسخ به پرسشها و شبهات

از مسئولیتهای مهم امام باقر علیه السلام در راستای وظیفه پاسداری از ارزشها، ردّ شبهات فکری بود. آن حضرت این مسئولیت را در قالب نامه، سخنرانی، مناظره و... انجام می‌داد. نمونه‌هایی را در ذیل می‌خوانیم.

* از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا درست است و اژه شیء برخدا اطلاق شود؟ فرمودند: بلی! اطلاق لفظ شیء بر خدا درست است، چون این اطلاق او را از حد تعطیل و تشبیه بیرون می‌آورد.^۴ (یعنی و اژه شیء بر هر چیزی اطلاق می‌شود که وجود دارد و

۱. نور/۳۶. «[این چراغ پرفروغ] در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده آن را بالا برند؛ خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند.»

۲. نور/۳۷. «مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند.»

۳. اصول کافی، ج ۶، ص ۲۵۶؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۵۸.

۴. اصول کافی، باب اطلاق القول بانه شیء، ج ۷.

خدا را به وسیله مقایسه
نمی توان شناخت و با
حواس نمی توان درک کرد
و شباهتی با آدمیان ندارد.
خدا به وسیله نشانه‌ها و
آیاتش، وصف و شناخته
می شود و در حکم و
داوری اش هرگز ستم
نمی کند.

آیاتش، وصف و شناخته می شود و در
حکم و داوری اش هرگز ستم نمی کند.
این همان خدایی است که جز او
معبودی نیست.^۴

۱. همان، باب الكون والمكان، ج ۳.

۲. ص ۷۵/ «ای ابلیس! چه چیزی تو را مانع
شده است از اینکه برای آنچه با دست خود

آفریدم، سجده کنی؟»

۳. سیرة الائمة الاثنی عشر، ج ۳، ص ۲۱۳.

۴. الاحتجاج، ص ۳۲۱.

اگر این واژه را به کار نبریم، لازم می آید
درباره اش همیشه سکوت کنیم و راه
اندیشه را تعطیل کنیم.)

* فردی به امام باقر علیه السلام گفت: خدا
از چه زمانی وجود داشت؟ آن
حضرت فرمودند: وای بر تو! زمان
برای موجودی است که سابقه نیستی
دارد، اما خدا دارای وجود همیشگی
است.^۱

* از آن حضرت درباره تفسیر آیه
﴿يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ
بِيَدِي﴾^۲ سؤال شد. آن حضرت
فرمودند: «بَدَ» در کلام عرب به معنای
قوت و عظمت است. خداوند
می فرماید: ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ﴾^۳
آسمان را با قدرت و نیرو افراشتیم.

* مردی از خوارج به امام باقر علیه السلام
گفت: چه چیز را می پرستی؟ فرمود:
خدای متعال را. گفت: آیا او را
دیده‌ای؟ فرمود: «چشمها با مشاهده
حسی او را ندیده‌اند، ولی قلبها به
حقیقت ایمان خدا را یافته‌اند. خدا را به
وسیله مقایسه نمی توان شناخت و با
حواس نمی توان درک کرد و شباهتی با
آدمیان ندارد. خدا به وسیله نشانه‌ها و